

واکنش امام (ره) به عملیات نجات آمریکا

پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹، سالروز شکست نظامی آمریکا در صحرای طبس است.



پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹، سالروز شکست نظامی آمریکا در صحرای طبس است. واقعه طبس یکی از آموزنده ترین حوادث سیاسی - نظامی در تاریخ معاصر به شمار می رود. این واقعه به جهانیان ثابت کرد که با اراده خداوند و الطاف باری تعالی، دسیسه های شیطان بزرگ بواسطه دانه های ریز شن خنثی می شود.

به گزارش ایسنا، پایگاه «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» با این مقدمه، بخش هایی از خاطرات سردار یوسف فروتن از این واقعه را منتشر کرده است که در ادامه می خوانید:

گروه ضربتی که در طبس گرفتار طوفان شن شدند، حدود صد نفر و مجهز به وسایل مختلف از جمله؛ طناب و نردبان های تاشو بودند. آن ها برنامه ریزی کرده بودند که از کویر وارد ایران شوند، سپس از بیراهه به ورامین رفته و از آنجا با کامیون وارد تهران شوند و با عملیات خاص ضد گروگان گیری گروگان ها را از ایران خارج کنند. این عملیات با دقت و هزینه بالا انجام شد و ستادهای هدایت کننده از چند نقطه و با مهارت عملیات را هدایت کردند. حیف است که این وقایع ناگفته بماند و نسل های آینده خبری از آن نداشته باشند. بعضی حتی با گذشت فقط کمتر از ۳۰ سال حتی اسمی هم از آن نمی دانند. نسل دوم و سوم انقلاب یا اصلاً نشنیده اند و یا اگر اسمی از آن به گوششان خورد بسیار سطحی از آن می گذرند. در حالی که یکی از خیانت های بزرگ آقای بنی صدر به عنوان رئیس جمهور کشور و با ۱۱ میلیون رای در این عملیات نهفته است.

در مورد این واقعه باید بگویم ظهر روز جمعه بود و من در آن زمان عضو ستاد نماز جمعه هم بودم زیرا سپاه همانگونه که عرض کردم الزاماً می بایست در اغلب تشکل ها نماینده داشته باشد. بنده هم که مسئول روابط عمومی بودم به عنوان نماینده سپاه در ستاد نماز جمعه حضور داشتم. از ستاد مرکزی سپاه خبر حمله از طریق کویر طبس رسید. نماز دوم که تمام شده بود به حضرت آیت الله خامنه ای که در آن زمان امام جمعه تهران بودند عرض کردم. ایشان فرمودند مردم را مطلع کنید. هنوز همه مردم پراکنده نشده بودند که واقعه طوفان شن طبس را با اطلاعیه ای تند و داغ به مردم اعلام کردم و از آن ها خواستم که دسته جمعی سوره فیل و شکست ابرهه زمان را بخوانند و صحنه بسیار زیبایی به وجود آمد. فردای آن روز خود را به محل حادثه رساندم. اثر هیچ نیرویی الا شن های نرم کویر نبود.

انصافاً طراحی دشمن خوب بود جای ویژه ای را انتخاب کرده بودند دقت کردم دیدم چرخ های هواپیمای گول پیکر ۷۱۳۰ فقط به اندازه ۲ سانتی متر در زمین فرورفته بود. گویی این فرودگاه را آمریکا از قبل درست کرده بود. ما با ماشین آهو مثل اینکه روی سطحی از سنگ رانندگی می کنیم. داخل هواپیمای نیمه سوخته و هلی کوپتر حدوداً یک چهارم سوخته هنوز هیچ چیز دست خورده نبود فقط آقای خلخالی قبل از ما رسیده بود جنازه های نیم سوخته را برده بودند جای جنازه سوخته شده روی شن ها بود.

حدود ۵۰۰ متر دورتر ۳ هلی کوپتر سالم روی زمین نشسته بودند از داخل این هلی کوپتر نیم سوخته بیرون آمدم و قصد رفتن به سوی آن ۳ فروند دیگر را داشتم که ناگهان فانتوم ها سر رسیدند و با سرعت همه اسناد و مدارک را از بین بردند. و در همین لحظه ۲ فروند هواپیما جنگنده همه آثار جنایت و مدارک را از بین بردند به علاوه فرمانده سپاه یزد شهید منتظر قائم که شهید شد. بعدها معلوم شد که طرح خیانت رئیس جمهور، بنی صدر بود.

با یکی از روستاییان آنجا صحبت کرده و ماجرا را از او پرسیدم. گفت: «ساعت حدود ۱۰ شب بود. از مشهد عازم کرمان بودیم. عده ای جلوی ما را گرفتند و پیاده مان کردند؛ دیدم طوفان شن شدیدی به چشم می خورد، سابقه نداشت در چنین فصل و زمانی چنین طوفانی بیاید. دوباره ما را سوار اتوبوس کرده و جای دیگر پیاده کردند، مدتی نشستیم و دست هایمان را روی سرمان گذاشتیم، دیدیم هلی کوپترها آتش گرفتند. بعد از آن سوار اتوبوس شدیم و به مشهد برگشتیم.»

بعد از اینکه گزارش خدمت امام (ره) داده شد و شرح ماوقع به ایشان ارائه گردید ایشان خیلی آرام و متین و کاملاً با وقار همیشگی خود فرمودند: «عجب، این آقایان می خواستند این طور ایران را فتح کنند! حال که آن ها قصد دارند گروگان ها را بگیرند، آن ها را در سراسر ایران پخش کنید که اگر برای بار دوم تصمیم گرفتند حمله کنند همه ایران را بگیرند.» ما نیز به دستور امام و به کمک بچه های اطلاعات، آن ها را در مشهد و تبریز و اصفهان و شهرهای مختلف پخش کردیم.